

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه لرستان

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

عنوان پایان‌نامه:

بررسی ریشه‌های تناقض‌های فکری در سخن حافظ

نگارش:

زهرا کرمانی علمی

استاد راهنما:

دکتر سعید زهره‌وند

استاد مشاور:

دکتر محمدرضا حسنی جلیلیان

پایان‌نامه جهت دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

بهمن ۱۳۹۱

همه امتیازات این پایان‌نامه به دانشگاه لرستان تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب در مجلات، سمینارها یا سخنرانی‌ها، باید نام دانشگاه لرستان (استاد یا اساتید راهنمای پایان‌نامه) و نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز از دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.



صورت جلسه‌ی ارزشیابی پایان نامه‌های کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد خانم زهرا کرمانی علمی به شماره: ۸۹۲۰۰۴۳۱۰

با عنوان: بررسی ریشه های تناقض های فکری در سخن حافظ.

در ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۹۱/۱۱/۲۸ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه لرستان برگزار گردید. هیأت داوران بر اساس اهمیت موضوع، کیفیت پایان نامه، استماع دفاعیه و نحوه پاسخگویی به سوالها، پایان نامه ایشان را برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی معادل با چهار واحد با نمره (به حروف) (به عدد) ۱۸.۲۵ و با درجه مورد تصویب قرار داد.

امضاء	مرتبه علمی	هیأت داوران
	استادیار دانشگاه لرستان	استاد راهنما: دکتر سعید زهره وند
	استادیار دانشگاه لرستان	استاد مشاور: دکتر محمد رضا جلیلیان حسنی
	استادیار دانشگاه لرستان	استاد داور: دکتر طاهره صادقی تحصیلی
	دانشیار دانشگاه لرستان	ناظر تحصیلات تکمیلی دانشکده: دکتر قاسم صحرائی

مدیر تحصیلات تکمیلی دانشگاه دکتر بهمن غضنفری	رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر طاهره صادقی تحصیلی	مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دکتر علی نوری
---	--	--

تقدیم به پدر و مادر مهربان

و

همسر فداکارم

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس خدای بی‌همتا را که یاری‌ام داد و گام در عرصه‌ای نهادم که به‌واسطه‌ی هم‌کلامی با اساتید و دوستان اهل علم و دانش، روز به روز غبار جهل و نادانی از ساحت اندیشه‌ی من فرو نشست.

به شکرانه‌ی نعمت حضور این عزیزان، مراتب امتنان و قدرانی خود را از آنان به عمل می‌آورم. از تنها سرمایه‌های زندگی‌ام " پدر و مادر مهربانم" به پاس زحمات بی‌منتشان تشکر می‌نمایم. برای جبران گوشه‌ایی از زحماتشان، نخستین سپاس را به محضر این بزرگان تقدیم کردم تا بدانند بودن‌شان تاج افتخاری است بر سرم و سلامتی‌شان تنها دعایم.

از "همسر مهربانم" به‌خاطر درک بالا و فداکاری‌هایی که در طی مراحل انجام کار از خود نشان داد، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم. همچنین از خانواده‌ی محترم او، بویژه پدر و مادر گرانقدرش کمال تشکر را دارم.

از "برادر و خواهرانم"، خصوصاً خواهر بزرگم و همسر گرامی‌اش که با جان و دل مشوق‌ام در تمامی لحظات سخت بوده‌اند، سپاسگزارم.

از یگانه استادم، "جناب دکتر سعید زهره‌وند" به‌واسطه‌ی تلاش‌های مستمرشان برای به ثمر نشستن این پژوهش کمال تشکر را دارم. استاد والامقامی که با صبر و شکیبایی جهالت‌م را نادیده انگاشت. درس‌های ارزشمندی که در محضر ایشان آموختم، گران‌بهاترین پشتوانه‌ی زندگی‌ام خواهد بود.

از استاد مشاور ارجمند و فرهیخته‌ام، "جناب دکتر محمد رضا جلیلیان"، صمیمانه سپاسگزارم و همواره قدردان راهنمایی‌های بی‌دریغ و ارزنده‌ی ایشان هستم.

از "سرکار خانم دکتر طاهره صادقی" به‌واسطه‌ی مزین کردن پایان‌نامه با ثبت نامشان به عنوان داور، کمال تشکر را دارم.

از هر چه بگذریم سخن دوست خوشتر است...، از عزیزانی که نام دوست را زینده‌ی خود ساخته‌اند همچون سرکار خانم "فاطمه مرزوقیان" که حضورش مایه‌ی آرامش و کلامش گره‌گشای کارم بود و خانم‌ها مریم خسروی، فاطمه عالی‌پور، طیبه قاسمی، ونوس قلی‌زاده، صدیقه محمدیانی، سمیه دیرکوند، مهتاب مهربابی، سپاسگزارم و برایشان سلامت و سعادت را خواستارم.

چکیده:

وجود پارادوکس در شعر حافظ امر بدیهی و مورد اعتنا برای بیشتر حافظ پژوهان است. آنچه مهم است، تحقیق درباره‌ی چگونگی تجلی تناقض‌هایی است که در شعر او مجال بروز یافته‌اند. در پایان نامه‌ی حاضر، با مقدمه‌ای کوتاه درباره‌ی چیستی پارادوکس، بحث اصلی خود را پیرامون ریشه‌های پارادوکس‌های حافظ، در پیوند با عناوینی چون: «تاریخ و اجتماع»، «ابعاد شخصیتی»، «زبان سمبلیک»، «عرفان» و مواردی از این قبیل پی گرفته‌ایم، و با ارزیابی آن‌ها به این نتایج رسیده‌ایم که: اصلی‌ترین ریشه‌ی پارادوکس‌های حافظ، شخصیت مبهم و چندبُعدی اوست. علاوه بر این، طرز برخورد حافظ با حوادث زمانه و به‌کارگیری شگردهایی در جهت بهبودی اوضاع، سبب متناقض جلوه دادن سخن او گردیده است. تفسیر به‌رأی‌ها از شعر او، و تعارض‌هایی چون فقر، خفقان و عشق که از منظر روانشناسی امکان بروز احساس ناکامی و به‌کارگیری مکانیسم دفاعی واکنش وارونه را دارد، می‌توانند ریشه‌های برخی از پارادوکس‌ها باشند. در کنار این موارد، می‌توان از مکتب عرفانی رندانه‌ی او که اهداف متفاوتی را دنبال می‌کند، فلسفه‌ی مبتنی بر اندیشه‌های اگزیستانسیالیسم که روش متناقضان را برای گذر از روزمرگی‌ها و رسیدن به تعالی به کار گرفته‌اند، نام برد.

واژگان کلیدی: حافظ، شعر و شخصیت، تناقض، ریشه‌ها و عوامل.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۲	فصل اول: کلیات و تعاریف
۳	کلیات
۶	مقدمه
۶	۱-۱- تناقض در فلسفه
۷	۲-۱- تناقض در ادبیات
۷	۱-۲-۱- تناقض در لغت
۷	۲-۲-۱- در اصطلاح ادبی
۸	۳-۲-۱- کارکردهای پارادوکس
۹	فصل دوم: بررسی ریشه‌های اصلی پارادوکس‌های حافظ
۱۰	۱-۲- تاریخ و اجتماع عصر حافظ، عاملی برای ایجاد تناقض
۱۲	۱-۱-۲- "پارادوکس"، شیوه‌ی ستیز حافظ با ریارکاران و مخالفان عصر
۱۵	۲-۱-۲- خلاصه‌ی بحث
۱۵	۲-۲- ابعاد شخصیتی حافظ و زمینه‌ساز بودن آن در ایجاد پارادوکس
۱۵	۱-۲-۲- ویژگی‌های شخصیتی
۱۵	۱-۱-۲-۲- وسعت مشرب و آزاد اندیشی
۱۹	۲-۱-۲-۲- خود انتقادی
۲۰	۳-۱-۲-۲- حافظ و روش ملامتی-قلندری
۲۰	۴-۱-۲-۲- اصول مکتب ملامتی
۲۳	۲-۲-۲- ویژگی‌های شعر حافظ
۲۳	۱-۲-۲-۲- ایهام و تأویل پذیری شعر حافظ:
۲۷	۲-۲-۲-۲- خلاصه‌ی بحث تأویل پذیری
۲۷	۳-۲-۲-۲- خوانش‌های چندگانه‌ی شعر حافظ
۲۹	۴-۲-۲-۲- اسطوره سازی و نقش آن در ایجاد پارادوکس‌ها
۳۰	۳-۲- بررسی شخصیت حافظ از منظر روان‌شناسی و نقش آن در ایجاد پارادوکس
۳۱	۱-۳-۲- حافظ شاعری درونگرا
۳۳	۲-۳-۲- ناکامی و تعارض و تأثیر آن در ایجاد پارادوکس

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳۶	۲-۳-۳- حافظ ← تعارضات درونی ← پارادوکس‌های شعری
۳۶	۲-۳-۳-۱- عشق
۳۷	۲-۳-۳-۲- فقر از تعارضات درونی رند شیراز
۳۹	۲-۳-۳-۳- شیراز و خلجان اضطراب جدایی از نظر روان‌شناسی
۴۰	۲-۳-۳-۴- احتیاط، از واکنش‌های تعارضی حافظ
۴۰	۲-۳-۳-۵- تعبیر روان‌شناسی "حرمت نفس" و پیوند آن با شعر حافظ
۴۱	۲-۳-۳-۱-۵- نیازهای بیولوژیک یا فیزیولوژیک حافظ
۴۱	۲-۳-۳-۲-۵- ارضای نیازهای خواجه در دربار شیخ ابواسحاق
۴۴	۲-۳-۳-۶- واکنش وارونه (پارادوکس) مکانیسم دفاعی حافظ در برابر ناکامی و تعارض
۴۴	۲-۴-۴- زبان سمبلیک حافظ عاملی تناقض‌آفرین
۴۴	۲-۴-۱- اثبات سمبل و شاخص‌های زبانی حافظ
۴۸	۲-۴-۲- خلاصه بحث
۴۹	۲-۵-۵- عرفان حافظ عاملی زمینه‌ساز در ایجاد پارادوکس
۵۰	۲-۵-۱- مکتب عرفانی حافظ؟
۵۲	۲-۵-۲- بازتاب‌هایی از عرفان در شعر حافظ
۵۲	۲-۵-۱-۲- عرفان عملی
۵۳	۲-۵-۲-۲- عرفان نظری
۵۴	۲-۵-۳- مختصات عرفان حافظ، عاملی در خلق پارادوکس
۵۴	۲-۵-۳-۱- عشق
۵۶	۲-۵-۳-۲- رندی
۵۷	۲-۵-۳-۳- شاعرانه بودن
۵۷	۲-۵-۳-۴- تحول در عرفان
۵۸	۲-۵-۳-۵- اهداف عرفانی حافظ
۵۹	۲-۵-۴- خلاصه‌ی بحث
۶۰	۲-۶-۶- جلوه‌هایی از فلسفه‌ی اگزیستانسیالیسم در نظام فکری- فلسفی حافظ
۶۳	۲-۶-۱- عنصر زمان در فلسفه‌ی اگزیستانس
۶۴	۲-۶-۲- پیوندهای فلسفی میگل اونامونو و حافظ

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶۶	۳-۶-۲- فلسفه‌ی شک حافظ
۶۸	۴-۶-۲- جبر و اختیار در نگاه فلسفی حافظ
۶۹	۵-۶-۲- لذت و یأس و انکار خیام‌وارِ فلسفه‌ی حافظ
۷۰	۶-۶-۲- دیدگاه خرمشاهی در مورد فلسفه‌ی حافظ و حل ابهامات پیرامون بیت پیر ما گفت "
۷۱	۷-۶-۲- جنبه‌هایی از فلسفه‌ی ایران باستان (فلسفه‌ی دیالکتیک) در نظام فلسفی حافظ
۷۳	۸-۶-۲- خلاصه‌ی بحث
۷۴	۷-۲- برداشت آزاد و تفسیر به‌رأی از شعر حافظ، ریشه‌ی برخی از پارادوکس‌ها
۷۵	۱-۷-۲- پژوهش تاریخی صرف
۷۷	۲-۷-۲- تفکر حصولی
۸۰	۳-۷-۲- آته‌ایست معرفی کردن حافظ، تقلیدی از نیست انگاری قرن هجدهم
۸۲	۴-۷-۲- خلاصه‌ی بحث
۸۴	فصل سوم: ارزش زیباشناختی پارادوکس‌های فکری_ فلسفی حافظ
۸۵	۱-۳- چندصدایی و چندمعنایی کردن کلام
۸۶	۲-۳- ابهام و تعلیق
۸۷	۳-۳- تأویل پذیری و معناگستری
۸۸	۴-۳- آشنایی‌زدایی و بیگانه‌سازی و در پی آن اعجاب و تکان
۹۱	نتیجه‌گیری و ارائه‌ی پیشنهاد
۹۴	فهرست منابع
۹۶	چکیده انگلیسی

پیش‌گفتار:

سروده‌های حافظ، تأویل پذیرترین سروده‌های زبان فارسی است، شعری است که تن به معناهای گوناگون می‌دهد. از این‌رو، درباره‌ی حافظ، همواره دیدگاه‌های متناقض و متعارض وجود داشته و دارد. خود حافظ، بیش از همه در پدید آمدن این اختلاف‌ها نقش داشته است. وی شخصیتی است غریب و پیچیده، که با ترفندی هنری، چنان پدیده‌های متناقض و متعارض را کنار هم نشانده، که این همنشینی پدیده‌های متناقض موجب گردیده طابع مختلف، چهره‌ی خود را - هر کس به شیوه‌ای - در آینه‌ی اشعار او ببیند. این مسأله ما را بر آن داشت تا در این مجال، به بررسی ریشه‌ها و انگیزه‌هایی پردازیم که در ایجاد پارادوکس‌های شعری حافظ نقش داشته‌اند. برای این منظور، پارادوکس‌های حافظ را که عموماً در دو دسته‌ی برون‌متنی (خودآگاه) و درون‌متنی (ناخودآگاه) قابل بررسی و تحقیق‌اند، مبنای کار خود قرار داده‌ایم. پارادوکس‌های شعری - شخصیتی، اجتماعی - فرهنگی را در حوزه‌ی پارادوکس‌های برون‌متنی و خودآگاه، پی‌گرفته‌ایم. پارادوکس‌های فکری - فلسفی، دینی - عرفانی، و پارادوکس‌های روانشناختی را در حوزه‌ی درون‌متنی‌ها (ناخودآگاه) بررسی کرده‌ایم. لازم به ذکر است که ابیات مطرح شده به عنوان شاهد مثال، بر مبنای نسخه‌ی خلیل خطیب رهبر سال ۱۳۷۷ انتخاب گردیده‌اند. لذا حرف "د" در پایان هر بیت، اشاره به همان منبع است. در این راه عزیزانی همواره مرا مورد لطف و حمایت خود قرار داده‌اند که در این مجال از آن‌ها مراتب تشکر و قدردانی خود را به عمل می‌آورم. از استاد راهنمای ارجمند و بزرگوارم جناب دکتر سعید زهره‌وند، که اگر راهنمایی‌های دلسوزانه و صبر و حوصله‌ی ایشان نبود، این بار به سر منزل مقصود خود نمی‌رسید. همچنین استاد مشاور گرانقدر، جناب دکتر محمدرضا جلیلیان، که سخنان ایشان نیز گره‌گشای کار ما بود. از همسر مهربانم، که با دلگرمی‌هایش مرا به ادامه‌راه امیدوار می‌کرد. و از همه‌ی عزیزان و دوستانی که مرا در انجام این کار یاری دادند، کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.

صل اول

۱۱□ و عار

بیان مساله:

پیش فرض ذهنی ما کمابیش بر این اندیشه‌ی نادرست سنتی استوار است که تناقض امری ناپسند است، حال آن‌که پارادوکس‌ها فارغ از اراده‌ی ما وجود دارند و دارای ارزش‌اند. انگیزه‌ی کافی برای گسترش مرزهای دانش را به وجود می‌آورند، تفکر را از آفت تقلید در امان می‌دارند. در عرصه‌ی آفرینش‌های ادبی نیز، وجود تناقض (در همه‌ی ابعاد) با گوهر هنر و ادبیات همخوانی دارد و حافظ با زیرکی خاص خود به ارزش پارادوکس‌ها واقف گردیده و از ظرفیت‌ها و ظرافت‌های آن بهره برده است. پارادوکس‌های موجود در شعر حافظ بخشی آگاهانه است و از دغدغه‌های زیباشناسی او نشأت می‌گیرد و بخش دیگر ریشه در ضمیر ناخودآگاه او دارد و به ابعاد شخصیتی او (حافظ چند بُعدی) برمی‌گردد. در این پایان‌نامه، هدف ما بر آن است تا با بررسی پارادوکس‌های دیوان حافظ، به ریشه‌ها و زمینه‌های اصلی تناقض‌های او پی ببریم و پس از ریشه‌یابی آن‌ها، با ارزیابی و سنجش پارادوکس‌ها، ارزش زیباشناسی و فلسفی آن‌ها را بیابیم و از این رهگذر دریچه‌ای تازه به دنیای حافظ بگشاییم و ابهامات و تعارض‌های موجود در این باره را برطرف کنیم.

مفاهیم تحقیق:

تناقض: با هم ضد و نقیض بودن، ضد یکدیگر بودن، ناهم‌تایی و ناسازی.

تناقض دو لفظ در صورتی است که یکی از آن دو امری را اثبات کند و دیگری نفی، اجتماع دو متناقض محال است. در اصطلاح ادبی منظور از تصویر پارادوکسی، تصویری است که دو روی آن به لحاظ مفهوم یکدیگر را نقض کنند. از ترفندهای ادبی است که ارزش آن در تکان دهنده‌گی و اعجاب انگیزی آن است. (دیانتی فیض آبادی، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

ریشه‌های تعارض: تناقض‌های موجود در دیوان حافظ دارای دو بُعد بیرونی و درونی است. ریشه‌ی پارادوکس‌ها می‌تواند با شخصیت شاعرانه‌ی حافظ مرتبط باشد، بدین معنی که او آگاهانه و ناخودآگاهانه برای خلق زیبایی از این صنعت بهره برده است. این سطح دربرگیرنده‌ی بُعد بیرونی پارادوکس‌ها است و یا این که پارادوکس‌ها ناشی از تعارض‌های فکری _ درونی حافظ و نتیجه‌ی تمایلات عرفانی _ فلسفی او هستند. این سطح نیز دربرگیرنده‌ی تعارض‌های درونی شعر حافظ است.

سوالات تحقیق: (شامل سوال اصلی و سوالات فرعی):

۱- سوال اصلی: انگیزه‌ها و ریشه‌های اصلی پارادوکس‌های موجود در دیوان حافظ کدامند؟

۲- سوال فرعی: پارادوکس‌های موجود در دیوان حافظ چه ارزش زیباشناسانه‌ی فلسفی دارند؟

فرضیات تحقیق: (فرضیه‌ی اصلی و فرضیات جنبی یا جانشینی)

فرضیه‌ی اصلی: شاید اصلی‌ترین ریشه‌ی پارادوکس‌ها آن است که حافظ در درجه‌ی نخست شاعر است و دغدغه‌های زیباشناسانه، متأثر از بینش شاعرانه و تجربه‌های گوناگون شعری دارد. همین دغدغه‌ها سبب روبرو شدن حافظ با موقعیت‌های پارادوکسیکال شده است و آگاهانه برای خلق زیبایی از این ابزار معناگستر و تأویل آفرین بهره جسته است. همچنان که وجود ویژگی‌های روانی و فردی او در کنار شرایط اجتماعی- فرهنگی و تناقض‌هایی که در رفتار و گفتار ابنای زمانه می‌دیده، ذهن و زبان حافظ را با اقسام تناقض‌ها درگیر ساخته بود. چنین به نظر می‌رسد که اندیشه‌های عرفانی، گرایش‌های فلسفی و سلوک اجتماعی حافظ، او را از یک شخصیت تک بُعدی به متفکر و شاعری چند ساحتی تبدیل کرده بود که خود می‌تواند یکی از مهمترین زمینه‌های متناقض‌نمایی در شعر او به شمار آید.

فرضیه‌ی فرعی: به نظر می‌رسد که ارزش فلسفی و زیباشناسانه‌ی پارادوکس‌های شعری حافظ در این باشد که آمیختگی اندیشه‌های فلسفی حافظ- که گاه جنبه‌ی انکار خیام‌وار پیدا می‌کند- با چاشنی عرفان و تصوف، نوعی معنویت عاشقانه و رنگ ملامتی و لحنی رندانه به اشعار فلسفی او داده است. مجموع این موارد پارادوکس‌هایی را در شعر او می‌سازند که ارزش زیباشناسی آن‌ها در این است که گاه در کنار هم و گاه در تقابل با هم می‌آیند و بر اساس مجاز، استعاره، ایهام، و... ساخته می‌شوند. گاه خالق آن‌ها در کسوت یک منتقد اجتماعی برای بزرگ جلوه دادن معایب عصرش از این ابزار بهره جسته است.

پیشینه‌ی موضوع و سوابق مربوط: (بیان مختصر تحقیق، نتایج به دست آمده و نظرات علمی رایج موجود درباره موضوع رساله)

درخصوص بحث‌های ذکر شده پیرامون پارادوکس در شعر حافظ می‌توان اظهار داشت که بخشی از این بحث‌ها در مورد چند بُعدی بودن و تضاد شخصیتی حافظ است و بخش دیگر نیز راجع به تضاد و پارادوکس‌های لفظی و معنوی دیوان او... . برای مثال احمد شاملو در کتاب جنجالی خود با نام «حافظ شیراز» او را رندی یک لاقبا و ملحد معرفی کرده است که در پاسخ به امثال چنین ادعاهایی، مطهری در کتاب خود تحت عنوان «تماشاگاه راز» حافظ را عارفی معرفی کرده است که شناخت راز و رمزها و اصطلاحات عرفانی حافظ را کلید حل این ابهامات و تعارضات دانسته است. بهاء الدین خرمشاهی نیز در کتاب معروف خود به نام «ذهن و زبان حافظ» ضمن بررسی چند بُعدی بودن شخصیت حافظ اظهار داشته است که دلایل این تناقض‌ها در مورد شخصیت حافظ آن است که رأی خود را مبنای سنجش قرار می‌دهیم...

علاوه بر این موارد، منوچهر مرتضوی نیز در کتاب خود «مکتب حافظ» ضمن اشاره به دشوار بودن شناخت شخصیت حافظ، اشاره‌ای به تناقض‌های دیوان او دارد و دلایلی برای این تناقض‌ها برمی‌شمارد. از جمله آن‌که

جولان هنر حافظ در عوالم خودآگاهی، ناخودآگاهی و زیرآگاهی سرچشمه‌ی این همه تنوع ذوقی - حکمی - اخلاقی و تناقض‌ها است... .

تناقض‌های لفظی و معنوی دیوان حافظ نیز در ضمن مشروح ابیات دیوان او مطرح شده‌اند که در تناقض‌های معنوی به مواردی همچون مسجد و میخانه، پیر و شیخ مغان و... اکتفا کرده‌اند. در پارادوکس‌های لفظی نیز همین مسأله را مد نظر داشته‌اند. (مثال سلطنت فقر) و بیشتر بحث زیباشناسی این پارادوکس‌ها را مورد ارزیابی قرار داده‌اند و عنوان کرده‌اند که حافظ به مثابه‌ی نگارنده‌ای زبردست برای تزئین شعرش از این صنعت استفاده کرده است.

علاوه بر موارد ذکر شده وجود پایان نامه‌هایی چون «تناقض در تصاویر و مفاهیم شعر حافظ» از «سجاد مرادی» و نیز «بررسی تضاد و تناقض‌نمایی در آثار سعدی و حافظ» از «علی طهوری» نشان دهنده‌ی این مطلب است که بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های پارادوکس در شعر حافظ آن هم در بُعد فکری - فلسفی، کاری است که برای نخستین بار به صورت یک پژوهش انجام می‌گیرد.

ضرورت‌ها و اهداف تحقیق:

با توجه به عظمت حافظ و تأثیری که او در ادبیات فارسی داشته است و با بررسی‌ها و پژوهش‌های به عمل آمده از آثار - احوال و افکار این شاعر، به نظر می‌رسد که جای ریشه‌یابی پارادوکس‌های دیوان او در پژوهش‌ها خالی است. بنابراین صرف نظر از تازگی و جذابیت موضوع، سوالات و ابهاماتی که ممکن است در ذهن حافظ دوستان نسبت به تناقض‌گویی‌های او شکل بگیرد ما را بر آن داشت تا با انتخاب این موضوع و رفع پاره‌ای از این ابهامات، باری تازه به روی حافظ دوستان بگشاییم.

مقدمه:

پیش فرض ذهنی بیشتر ما، مبتنی بر اندیشه‌های نادرست سنتی، تناقض را امری ناپسند می‌داند. در حالی که تناقض‌ها فارغ از اردهی ما وجود دارند و دارای ارزش‌اند. در آفرینش‌های ادبی و هنری وجود تناقض با هنر و ادبیات همخوانی دارد. در بحث‌های فلسفی نیز، تضاد و تصادم و تنازع از اصول و قوانین جهان به شمار می‌آیند. جهان ما، جهان برخورد و تراحم است. وجود و عدم، خیر و شر، خوبی و بدی، در کنار هم قرار گرفته‌اند. به همین خاطر، همواره دو جریان متخالف و متضاد در کنار یکدیگر و هم‌آغوش هم دیده می‌شوند. این مسأله به گونه‌ای است که برخی از مفسرین و محققین را بر این باور داشته که: یکی از علل متناقض‌نمایی در ادبیات جهان، سرشته بودن آدمی از خاک و افلاک است. از دید آن‌ها، بُعد عرفانی و فرشتگی، انسان را به سوی عالم بالا، و بُعد حیوانی و خاکی، آدمی را به سوی غرایز سوق می‌دهد. (نقل به مضمون از ذوالفقاری، ۱۳۸۴: ۸۴۹). با توجه به مباحث مطرح شده و نیز تقدم مباحث فلسفی بر سایر موضوعات، ابتدا تناقض را از منظر فلاسفه‌ای چون ملاصدرا، ابن سینا، و سهروردی پی می‌گیریم. سپس به نمود آن در ادبیات می‌پردازیم.

۱-۱- تناقض در فلسفه:

درباره‌ی تناقض در کتاب "فرهنگ اصلاحات فلسفی ملاصدرا" چنین آمده است: «نقیض هر چیزی رفع همان چیز است. نقیض زید، لازید است. تناقض مربوط به قضایا است، و اختلاف دو قضیه است به سلب و ایجاب، به شرط رعایت هشت شرط: وحدت موضوع و محمول، زمان و مکان، شرط و اضافه، کل و جزء» (سجادی، ۱۳۷۹: ۱۶۸).

ابن سینا نیز تناقض را اختلاف دو قضیه در سلب و ایجاب می‌داند. به گونه‌ای که ذاتاً لازم است، یکی از آن‌ها صادق و دیگری کاذب باشد. وی همچون ملاصدرا تحقق تناقض را منوط به رعایت شروط هشت‌گانه‌ی اتحاد دو قضیه در موضوع و محمول و غیره می‌داند. و معتقد است اگر در یکی از موارد مذکور (وحدت موضوع و محمول و...) اختلاف وجود داشته باشد، دیگر ضرورتی ندارد که یکی صادق و دیگری کاذب باشد. ابن سینا همچنین این شرایط را برای تحقق تناقض در قضایای مخصوصه کافی می‌داند و در قضایای محصوره است که شرط اختلاف در کمیت یعنی کلی و جزئی نیز اضافه خواهد شد. (نقل به مضمون از صلیبا، ۱۳۶۶: ۲۵۹).

نظر سهروردی نیز مطابق گفته‌های ملاصدرا و ابن سینا در باب تناقض است. چرا که در کتاب "فرهنگ علوم فلسفی و کلامی سجادی"، در باب تناقض از منظر سهروردی آمده است: «وی تناقض را عبارت از اختلاف دو قضیه به ایجاب و سلب می‌داند. به نحوی که لازم آید صدقاً و کذباً با یکدیگر جمع نشوند. بنابراین لازم است که موضوع و محمول و شرط و نسبت‌ها و جهت‌ها در آن دو مختلف باشند.» (سجادی، ۱۳۷۵: ۲۲۰).

۱-۲- تناقض در ادبیات:

۱-۲-۱- تناقض در لغت:

واژه‌ی پارادوکس (paradox) در لغت به معنای متناقض‌نما است. و در تعریف لغوی تناقض در اکثر فرهنگ لغت‌ها از جمله "لغت‌نامه‌ی دهخدا" آمده است که: «نقض در فارسی به معنای فاسد کردن، شکستن، باطل کردن، سخن نابه‌هنجار گفتن، مخالفت کردن، و معارضه کردن است. تناقض دو سخن به معنی اختلاف و معارضه بین آنهاست. سخن متناقض سخنی است که اجزاء آن نقیض یکدیگر باشند.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۰۰۶).

۱-۲-۲- تناقض در اصطلاح ادبی:

درباره‌ی پارادوکس، دیدگاه‌های بسیاری مطرح گردیده است. عده‌ای همچون "خرمشاهی" تناقض را متفاوت با پارادوکس می‌داند و در این باره می‌نویسد: «پارادوکس با متناقض تفاوت دارد اگرچه شباهت‌هایی دارد. قدما پارادوکس را "شُبّه" و "شطح" را متناقض نامیده‌اند. البته نه هر شطحنی، بلکه شطحی که ساختاری آمیخته به تناقض و ایهامی به احتمال وجود تناقض داشته باشد. خرمشاهی در ادامه بیان می‌دارد که ساختار پارادوکس یا شُبّه چیزی متفاوت با، و فراتر از تناقض صرف است و گاه نه تناقض واقعی، بلکه متناقض‌نمایی دارد. دلیل این ادعا را هم این‌گونه عنوان می‌کند که بسیاری از پارادوکس‌های منطقی و ریاضی، راه حل پیدا می‌کنند حال آن‌که تناقض راه حلی ندارد. با اندکی مسامحه می‌توان گفت هر پارادوکسی تناقض و غالباً متناقض‌نما دربردارد، ولی هر تناقضی تشکیل پارادوکس نمی‌دهد.» (خرمشاهی، ۱۳۸۲: ۲۲۶). برخی دیگر همچون "لارنس پیرین" پارادوکس را تناقضی آشکار می‌داند که تا حدودی حقیقت دارد. و بر این باور است که پارادوکس (تناقض) ممکن است وضعی یا بیانی باشد. (دیانتی فیض آبادی، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

شفیعی کدکنی نیز درباره‌ی پارادوکس این‌گونه عنوان می‌کند: «تصاویر پارادوکسی، تعبیراتی است که به لحاظ منطقی، تناقضی در ترکیب آن‌ها نهفته است. اگرچه در منطق عیب است، ولی در هنر اوج تعالی است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۳۷). با این تفاسیر به نظر می‌رسد که پارادوکس و تناقض تفاوت‌هایی ولو اندک با یکدیگر دارند و پارادوکس فراتر از تناقض و دربرگیرنده‌ی آن است. به هر حال تعاریف متعددی از پارادوکس به معنای متناقض، در کتب بلاغی و ادبی ارائه شده است. از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به تعریف زیر از وحیدیان کامیار اشاره کرد. وی در این خصوص اظهار می‌دارد: «پارادوکس یکی از ترندهای برجسته و شگفت‌انگیز ادبی است که گاه معنایی، گاه لفظی، گاه تصویر و گاه جمله و عبارت است. و در شعر یکی از بهترین شیوه‌های آشنایی‌زدایی و بیگانه‌سازی است.» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۴: ۲۷۱).

جلوه‌ی پارادوکس در ادبیات زمانی است که «شاعر از تقارن‌های شناخته شده در بدیع و بلاغت به سوی هنجارگریزی‌های شطحی و خوشه‌های صوتی و موسیقایی می‌گراید. هدف پایانی این شیوه، بیان حقیقتی ظریف یا نکته‌ای دقیق است. اما، گاهی پارادوکس‌ها صرفاً برای خلق زیبایی است.» (دیانتی فیض آبادی،

۱۳۸۴:۱۱۷). اگرچه این شیوه‌ی ادبی از زمان افلاطون در ادبیات پیشینه و کاربرد دارد؛ و در دنیای غرب، متناقص‌نما (پارادوکس) از دیرباز شناخته شده بوده است؛ رومی‌ها پیش از میلاد مسیح با آن آشنا بوده‌اند. با این همه، در قرن بیستم بود که به اهمیت واقعی پارادوکس پی بردند. (همان، ۱۱۹).

۱-۲-۳- کارکردهای پارادوکس:

از جمله کارکردهایی که می‌توان برای پارادوکس در ادبیات در نظر گرفت این است که «برخی از شاعران و نویسندگان در عرصه‌ی ادبیات جهانی برای سفسطه، خودنمایی، زبان بازی، لفاظی، و بیان مفاهیم سطحی، و مواردی از این قبیل، از تصاویر و عبارتهای پارادوکسی بهره برده‌اند. خصوصاً آن زمان که خاورشناسان به ادبیات مُغانه و شطحیات صوفیان مربوط به دوره گسترش عرفان در مشرق زمین توجه کردند، آفریدن تصاویر پارادوکسی افزونی گرفت.» (همان، ۱۱۸). اما، به دلیل کارکردهای برجسته و ارزشمندی که وضعیت پارادوکس در اختیار هنرمندان قرار می‌دهد و این فرصت را در اختیار آنان می‌گذارد که آزادانه از امکانات پارادوکس (تأویل آفرینی و معناگستری، آشنایی زدایی، چندصدایی کردن سخن، ابهام و تعلیق) بهره‌مند شوند، ما ناگزیر می‌شویم که «تناقض را بیشتر داری جنبه‌ی فکری نه عاطفی، هوشمندانه، نه عقلانی محسوب کنیم.» (دیوید دیچز، ۱۳۵۸:۲۵۱).

همچنین، پارادوکس‌ها از اصل ماهیت شعر ناشی می‌شوند. و شاعر برای تبیین ظرایف احساس و دقایق فکری_عرفانی، نیاز به کاربرد استعاره دارد، «چرا که سازش باید از نمادسازی و قرینه پردازی بهره بگیرد، اما به کارگیری استعاره ظریف و پیچیده است. گاهی کم و زیاده‌ها، هم پوشی‌ها، ناجوری‌ها و تناقض‌هایی با مفاهیم مورد نظر پیدا می‌کند، از طرفی صریح الهجه‌ترین و ساده‌نویس‌ترین شاعران مجبور به استفاده از پارادوکس‌ها می‌شوند. و از آنجایی که روش هنر نمی‌تواند مستقیم و صریح باشد، بلکه همواره کنایه‌ای و غیرمستقیم است، وضعیت پارادوکس این شیوه‌ی هنری را در اختیار شاعران قرار می‌دهد.» (دیانتی فیض آبادی، ۱۳۸۴: ۱۰۰-۱۰۱).

افزون بر این موارد، کارایی دیگر پارادوکس در حوزه‌ی ادبیات این است که شاعر در ترکیب‌ها و تصاویر پارادوکسی، مفهومی حکیمانه، عارفانه، فلسفی، را ارائه می‌دهد و به‌همین خاطر، «در تصویر پارادوکسی، در نتیجه‌ی تأمل جنبه‌های هنری و زیبای‌های ادبی نوعی "فورگراندینگ" و "مکت در روانی کلام" ایجاد می‌شود که برجستگی خاصی به زبان ادبی می‌دهد. به نظر می‌رسد که آرمان و عقیده شاعر و نویسنده در آفرینش تصویرهای گوناگون ادبی دخیل است. بدین معنی که اگر معتقد به حقایق فراخاکی باشد و ادبیات را عرصه‌ی زندگی واقعی بداند و پای ادبیات را در قلمرو حقایق ملکوتی و الهی باز بداند، در این صورت فقط به حقایق متعارف بسنده نمی‌کند، بلکه پنجره‌ای به جهان غیب می‌گشاید و خبر از جهان نادیده می‌دهد. چنان که حافظ، مولوی، و عطار می‌دهند.» (همان، ۱۲۳).

صل دوم:

بررسی راه‌ها ارادوس‌ها

۱-۲- تاریخ و اجتماع عصر حافظ، عاملی برای ایجاد تناقض:

سده‌ی هشتم، یکی از سده‌های پُر آشوبِ تاریخِ ایران است. و حافظ در شیراز شاهد دگرگونی‌های پی‌درپی در عرصه‌های مختلف در این دوره بوده، و بسیاری از سروده‌های او با تأثیرپذیری از همین جریان‌ها، آفریده شده است. تغییر پی‌پی پادشاهان و امیران و سلسله‌های آنان، عدم امنیت را دامن می‌زد، سلاطین و اُمرا که سرمشق و نمونه‌ی کامل عیار مردمند، خود به فساد منسوب بودند. برای مثال: «مبارزالدین بر پسران خود بدبین است، شاه شجاع و شاه محمود، به مخالفت چشم پدر را میل می‌کشند، شاه محمود، به مخالفت برادر خود و شاه یحیی علیه

عم خویش طغیان می کنند، مادر شاه شجاع، به فسق روزگار می گذرانند، و مواردی نظیر این.» (معین، ۱۳۷۵: ۷۵). به همین خاطر، "رحیم ذالنور" دلیل حافظ شدن حافظ را، در تفاوت های فردی و فرهنگ تاریخی او جست و جو می کند. و معتقد است که «شرایط نابه سامان قرن هشتم و وضعیت شیراز در این بُرهه از زمان، باعث گردیده که حافظ وارث حمام های خون و بیزار از ریا، وزن پهلوانی و ضربی شاهنامه را به ساقی نامه ای نالنده بدل کند. و این شرایط تاریخی قرن هشتم است که، شیراز را در رأس هرم غزل فارسی نشانده است.» (ذالنور، ۱۳۶۷: ۱۴).

این شرایط و اوضاع و احوال، دگرگونی های درونی را برای رند شیراز در پی داشته، و خلق شعر در این بُرهه از زمان و متناسب با اوضاع تاریخی-اجتماعی، سبب ایجاد تناقض هایی گردیده است. برای نمونه می توان رفتارهای پادشاهان را ذکر کرد که به صورت های مختلف بر حافظ تأثیر گذاشته اند و متقابلاً بازخورد این رفتارها که مدح یا انتقاد است در شعر او منعکس شده است. میل و کشش حافظ به سمت پادشاهی خاص سبب مدح و تعریف و تمجید می شده است. همچنین اگر پادشاهی رویه ای برخلاف میل او که همان عدالت و رفاه مردم بود، در پیش می گرفت، به شکل های مختلف با کنایه و طنز و ابهام و ابهام، مورد نقد و سرزنش وی قرار می گرفت.

حافظ در آغاز با پادشاهی امیراسحاق آسان گیر و خوشگذران روبرو می شود، اما با روی کار آمدن امیر مبارز الدین محمد، مبارزه های حافظ با ریاکاری، زهد، و تصوف دروغین آغاز می شود. به همین خاطر، می توان گفت که بخش عظیمی از انتقادات و نکویش های حافظ از ریا و ریاکاری، به امیر مبارز الدین محمد برمی گردد. از دو دلیل عمده برای مخالفت حافظ با این پادشاه سخت گیر، می توان یاد کرد: اول آن که حافظ با زهد خشک و ریا و تظاهر، که با رفتارهای این پادشاه تقویت شده بود، مخالف بود. و دوم آن که پادشاه مورد علاقه-ی او، یعنی شاه ابواسحاق به دست امیر مبارز الدین کشته شده است.

آسان گیری و خوش گذران بودن شاه ابواسحاق، سبب گردید که عده ای از نقادان و شارحان دیوان حافظ بر این باور باشند که، در سروده های جوانی حافظ که مصادف با پادشاهی ابواسحاق اینجو، پادشاه دلخواه حافظ است، نشانه هایی از زهد و پرهیز و این که او انسان سر به راهی است وجود ندارد و مضمون اکثر غزل های دوره جوانی حافظ، وصف شراب و مستی و باده ستایی است. و از اشعار جوانی تا آغاز میانسالی او می توان این گونه نتیجه گیری کرد که حافظ در سال های جوانی و ابتدای میانسالی زاهد، عابد، و یا صوفی نبوده است.

حافظ پس از پانزده سال همراهی با ابواسحاق خوشگذران، میانسالی خود را با پادشاه خشک و متعصب و سخت گیری چون امیر مبارز الدین آغاز کرد. او برای نشان دادن اختناق حاکم در دوره ی این پادشاه، لقب "محتسب" را بر او نهاد. در این دوره با توجه به اوضاع و احوال، مضامینی چون پنهان کاری، ترس، تعزیر، رونق بازار قلب، تزویر شیخ و نظایر آن، فضای غزل حافظ را دربرمی گیرد. نمونه ی بارز آن غزل زیر است:

اگرچه باده فرح بخش و باد گل بیزست	به بانگ چنگ مخور می که محتسب تیز است
صراحتی و حریفی گرت به چنگ افتد	به عقل نوش که ایام فتنه انگیزست